

لزوم پرورش قبل از آموزش

اهمیت روشهای کیفی شناخت
رسمهای سازگاری و انتقال

سید کاظم مدرسی

نابراین چگونه ممکن است که پرورش کودک بدون شناخت او بخوبی صورت پذیرد. هدف از شناخت شناسائی است. اساس پرورش جدید بر پایه مشاهده و شناسائی قرار گرفته است. توصیه‌های اخیر این است که مربی باید حالات و قدرتهای طبیعی کودک را بشناسد تا اینکه بتواند بهترین آنها را بیرون کشیده و تقویت نماید.

در این مورد به نکاتی از نظریات دکتر آندره برز منحصص امور پرورشی جدید می پردازیم:

مربیان باید پیوسته آن را از نظر درنداشتند و با توجه و احترام به آن کودک راهدایت و راهنمایی نمایند. اگر "شخص" کودک ساخته شود دلیلی نیست که مربی به فکر منحصر

پیش از هر نوع برنامه ریزی آموزشی باید به شناخت وضع کودک پرداخت. اینک می خواهیم به اهمیت این موضوع بپردازیم. این امر مشخص شده است که ساخت هر چیز بر اساس شناخت امکان پذیر می گردد، پرورش کودک نیز از چنین امری مستثنی نیست. ساخت یک انسان حساس ترین و دقیق ترین مرحله ساخت است.



بفرد خود باقی بماند و برگشت از نظر شخصی در چنین موارد محققا نه بی فایده است و نه تحقیر آمیز، از جهتی دیگر به نظر می رسد که احترام به کودک بدون شک روشی است آموخته و بدان وسیله یاد می گیرد تا به بزرگسال متقابلا احترام بگذارد. اما خواست تربیتی جدید اینست که نیازمندیهای اساسی و طبیعی کودکانه مورد توجه و احترام باشد. این امر بخودی خود بسوی بازشناسی تمامی آنچه که مستعد و سزاوار کنکاش و شناسائی در طبیعت کودکانه می باشد کشیده می شود...

بی توجهی به نیازمندی کودک و فعالیت های ناشناخته او که پیوسته در جستجوی مغذی هستند نابتوانند خود را ظاهر سازند در زمان طولانی موجب می گردد تا کودک نتواند تشخیص بدهد که چه کاری کند، وجه باید بکند آنوقت است که ذوق و میل به همه چیز را از دست می دهد و مریبان غرولندکنان می گویند "وای از ایمن بچه های تنبل" در صورتی که با بذل مقداری توجه و عنایت به اشکال متعدد تحرک و فعالیت های طبیعی و سالم کودکان میتوان هر کدام را به نوعی و برپایه و اصول روش های مختلف و متفاوتی به کار گرفت و نتایج ارزشمندی به دست آورد. برای شکوفائی یک شخصیت باید از همه امکانات روانی و رفتاری و کارائی آنان استفاده شود، بخوبی روشن است که بایستی پرورش و تربیت بطور انفرادی بر فرد منطبق گردد. اگر هوش از اجزائی که سبب تشکیل و تکوینش می باشد مثل تحرک، مسائل عاطفی و اجتماعی دور جدا شود، نمی تواند توسعه پیدا کرده و شکوفا شود، در صورتی که اگر مورد

توجه واقع گردد پیشرفت ها حتمی تر خواهند بود که غالبا "به خاطرات کودک عنوان و درجه می دهد، قدرت خلاقیت وی مورد نظر قرار گرفته و جهش های خود را بازمی باید و به مرحله ای می رسد که فعالیت های مدرسه ای یا فعالیت های خارج از مدرسه، بدون رعایت سلسله مراتب هماهنگ گردیده و تنها برای برگزاری امتحان به کار نمی روند بلکه در خدمت دائمی فرد قرار خواهند گرفت.

مری نباید هیچ یک از هیجانات و شور و شوق های شاگردش را تحقیر نماید و بایستی حالتی تمسخر آمیز و بی نظری تفوق جوئی و برتری آنها را متوقف سازد.

چون مسئله مهم اینست که یک کودک یا نوجوان نمی تواند و با جرئت نمی کند که به پوچ علاقه مند و باعاشق شود. برای اینکه بتوانیم با وجود همه مسائل، ایده های از سلسله مراتب ارزشها به آنها بدهیم فقط یک روش موجود است:

بازسازی راهی را که خودشان پیموده اند، با وجود خودشان و با بردباری و آرامش، و به جای اینکه آنها را در مورد سلیقه های شان آزمایش نکنیم آنها را وادار سازیم و به آنها نشان دهیم بین چیزهایی که دوست دارند کدامهایشان ارزش و لیاقت دوست داشتن را دارد.

پدران و مادران باید بجای اینکه خود تذکر بدهند "این رانخوان این احمقانه است" برای جدا کردن بهترین از بدترین کوشش نموده و کمک نمایند.

اگر از این کار و کوشش برای حسن تفاهم امتناع ورزند خطر بزرگی را دامن زده و اجازه می دهند تا خوشی و لذتی که بایستی هوشمندانه و قابل استفاده باشد، بخوشی و لذتی شرم آور تغییر شکل پیدا کند.



سازگاری کودکان

کودک با ارزشهای خانوادگی و اجتماعی جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند سازگاری پیدا می‌کند.

به همین جهت محیط خانه باید از ارزشهایی برخوردار باشد تا بتواند کودک را برای آینده روشنی پرورش نماید.

اگر اولیاء به‌جین ارزشهایی معنقدنیاسند مسلم در امر پرورش صحیح کودکانشان موفق نخواهند بود.

فرزانه کونیز در این مورد سئوالی رام طرح کرده است.

چگونه والدین، بدون داشتن یک وضع مطمئن وثابتی می‌توانند کودک خود را با ارزشهای خانوادگی و اجتماعی که خود به آنها ایمان ندارند سازگار نمایند و در پرورش او موفق



باشند.

کودکان رفتار و سلوک والدین خود را می‌پذیرند و در خود جایگزین می‌سازند.

بسیاری از کودکان رفتار ناپسند و ناهنجار را از محیط خانه به محیط های اجتماعی دیگر انتقال می‌دهند، در محیط های اجتماعی هم اگر اینگونه نقل و انتقالات پرورشی کنترل و هدایت نشود رفته رفته فرهنگ جامعه تضعیف می‌گردد. به قول دکتر آدفریر، والدین باید از احساسات عالی برخوردار باشند تا این صفات از وجود آنان به خارج پرتوافکند و کودکانشان را گرم و روشن سازد.

ارزشهایی که کودک می‌تواند آن را فراگیرد و انتقال دهد از قبل از تولد و تا قبل از ورود به محیط های اجتماعی است.

اولین ناظم و هادی و پرورش دهنده والدین هستند که می‌توانند شخصیت کودک را در آینده مشخص نمایند.

به تعبیری از کارشناسان امور تربیتی، نمی‌توان موجود کوچکی را که تازه دوازده سالگی بجای "زندگی کردن" فقط وجود داشته و رشد کرده است مورد توجه و نظر قرارداد، زیرا که ارزش کودک در قسمت بسیار مهم مربوط می‌شود به آینده او و آنچه را که از خود نشان می‌دهد.

چگونه می‌توان کودکی را که اجباراً دچار فقدان و کم و کاستی پرورش شخصیت و موجودیت خویش می‌گردد در بزرگسالی جالب و فعال و پیرانرژی مشاهده کرد.

اینک باید متوجه شد که چه طرز رفتار و سلوکی با کودکان می‌تواند در پرورش شخصیت آنان مؤثر باشد.

ادامه دارد

شاید متوجه نباشید این سیاس و قدردانی و والدین چه نیروی به معلم و متصدیان مدرسه میدهد و باین عمل که هزینه‌ای هم ندارد میتوان معلمین عزیز را تا مدت‌ها شاداب و امیدوار و علاقه مند به کارنگهداشت .

ولی باید بدانیم این مقدار کافی نیست و با ارتباطیکه برقرار می‌نمائیم نسبت به رفع نیازهای دیگری هم‌که در تربیت فرزندان موثر است اقدام لازم معمول داریم .

به کرات برای ما ثابت شده مدارس که پدران و مادران در آن حضور می‌یابند مدارس برابری و پرمحتوا می‌باشند و هر نوع نارسائی احتمالی بزودی برطرف و از تعلیم و تربیتی والا برخوردار خواهد بود .

اما هفته پیوند - همانطور که میدانید شهیدان بزرگوارمان مرحوم رجائی و باهنر که سهم بسزائی در آموزش و پرورش جمهوری اسلامی بلکه انقلاب ما داشتند پس از اینکه انجمنهای خانه و مدرسه نظام پیشین را به انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران تبدیل نمودند ۲۳ تا ۳ مهرماه را بنام هفته پیوند اعلام نمودند این هفته ، هفته‌ایستکه مدارس پس از دوران تعطیلی تابستان استقرار و نظم خود را کاملاً باز یافتند و روزهای استکه انجمنهای اولیاء و مربیان مدارس تشکیل و پدران و مادران نمایندگان خود را انتخاب و عملاً شروع به فعالیت خواهند نمود در این هفته اولیاء عزیز با هم و یک صدا آمادگی خودشان را برای کمک به خانه دوم فرزندانشان که مدرسه میباشد اعلام میدارند هفته‌ایستکه مدیران و مربیان زحمتکش مقدم اولیاء و حضورشان را در مدرسه برای ارائه خدمات

نونهالان و جوانان آینده انقلاب فکرمیکنند و عمل مینمایند و این پیوند مقدس اولیاء و مربیان تا انتهای سال تحصیلی به قوت و قدرت خود باقی خواهد ماند انشاء الله .

در پایان اجازه دهید در رابطه با مسئولیت پدران روایتی عرض نموده و به سخنان خود خاتمه دهم تا انشاء الله اساتید محترم شما را با برنامه‌های خود به فیض برسانند .

روزی رسول گرامی حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه وآله وسلم در حالیکه بعضی اصحاب ایشان راه‌راهی مینمودند به اطفالی برخورد نمودند فرمودند (وَبِئْسَ لِالْاَوْلَادِ اَحْوَالُ الزَّمَانِ مِنْ اَبَائِهِمْ) وای بر اولاد آخر زمان از پدرانشان . اصحاب سؤال کردند يَا رَسُولَ اللّٰهِ مِنْ اَبَائِهِمُ الْمُشْرِكِينَ از پدران مشرکشان . حضرت فرمودند : نَهْ مِنْ اَبَائِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ یعنی وای بر اولاد آخر زمان از پدران مؤمن . وقتی اصحاب علت را پرسیدند

حضرت فرمودند : لَا يَعْلَمُونَهُمْ شَيْئًا مِنَ الْفَرَايِضِ وَ اِذَا تَعَلَّمُوا اَوْلَادَهُمْ مَنَعُوهُمْ وَرَضُوا عَنْهُمْ بَعْرَضٍ يَسِيرٍ مِنَ الدُّنْيَا فَاَنَامَتْهُمْ بَرِيٌّ وَهُمْ مِنِّي بُرَاءٌ

در خاتمه ضمن آرزوی فرج حضرت ولی عصر و طول عمر با برکت امام و رهبر عزیزنا ظهور امام زمان از خداوند متعال می‌خواهم ما را به وظائف پدری و خواهران را به مسئولیت مادری و مربیان را موقعیت معلمی آگاه و در تربیت نسل آینده موفقمان گرداند .

السلام علیکم ورحمه‌الله وبرکاته

